

تیز هوشی شاگردان ابن سینا

روزی ابن سینا از جلو دکان آهنگری می گذشت که کودکی را دید. آن کودک از آهنگر مقداری آتش می خواست. آهنگر گفت: ظرف بیاور تا در آن آتش بریزم.



روزی ابن سینا از جلو دکان آهنگری می گذشت که کودکی را دید. آن کودک از آهنگر مقداری آتش می خواست. آهنگر گفت: ظرف بیاور تا در آن آتش بریزم. کودک که ظرف همراه نداشت، خم شد و مشتی خاک از زمین برداشت و در کف دست خود ریخت. آن گاه به آهنگر گفت: آتش بر کف دستم بگذار.

ابن سینا، از تیزهوشی او به شگفت آمد و در دل بر استعداد کودک شادمان شد. پس جلو رفت و نامش پرسید. کودک پاسخ داد: نامم بهمن یار است و از خانواده ای زرتشتی هستم. ابن سینا او را به شاگردی گرفت و در تربیتش کوشید تا اینکه او یکی از حاکمان و دانشمندان نام دار شد و آیین مقدس اسلام را نیز پذیرفت.